

## حسام‌الدین دولت‌آبادی

حرمت اخلاقی و قانونی احتکار مواد خواربار . تعمیر بناهای تهران . انحام کار لوله‌کشی تهران آغاز اصلاح برق . جلوگیری از تجلوز بزمینهای شهرداری . واگذاری دویست و پنجاه هزار متر زمین های شهرداری بآموزش و پرورش . ایجاد پارک سنکلیج

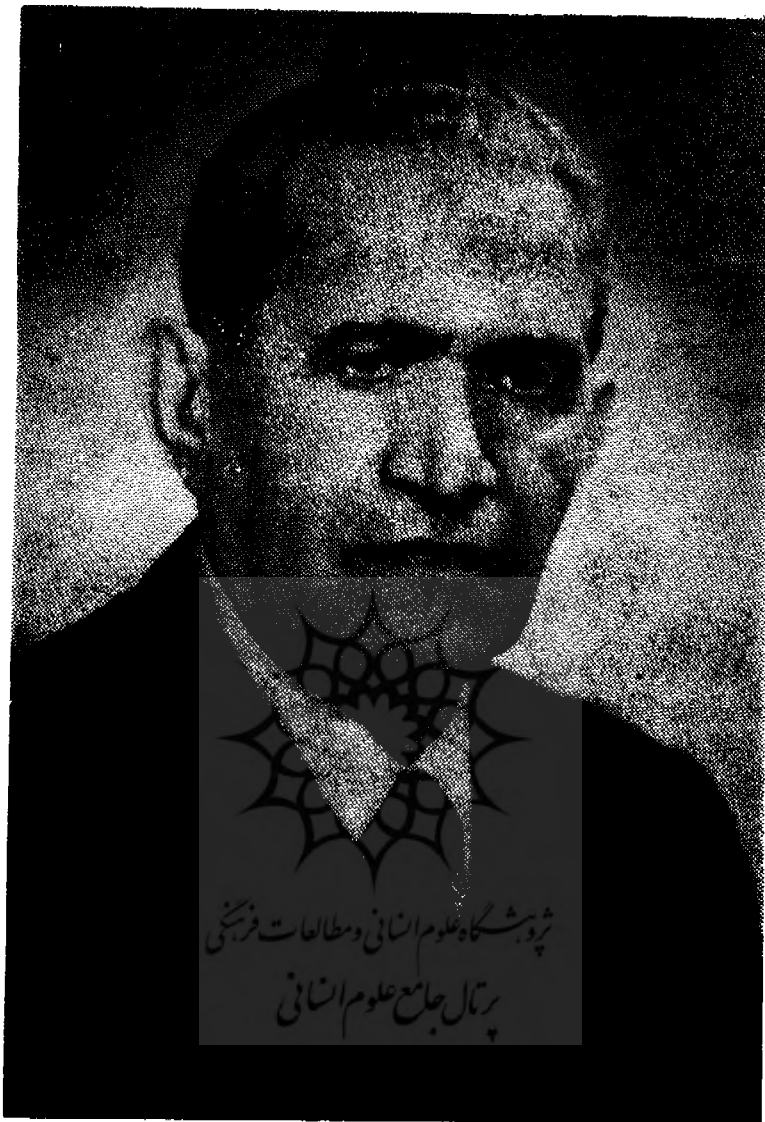
\*\*\*

چنانچه در شماره پیشین متذکر شد با تأسیس انجمن‌های محلی از معتمدین شهر و ایجاد انجمن مرکزی بتدریج مردم شهر دریافتند که شهرداری از خودشان است . مخصوصاً که در اطاق شهردار بروی مردم از بامداد تا شبانگاه باز بود و بطور متوسط روزانه دویست نفر پذیرائی میشدند و در انجام تقاضاهای آنان در حد مقدور بی دریغ اقدام میشد و امروز بر وفردا بیاد کار نبود . چنانچه رئیس اداره ساختمان شهرداری

را با اینکه از دوست زادگان صمیمی من بود و یکی دو بار هم باو تذکره دادم که شهردار و شهرداری باید یار و مدد کار مردم باشند نه خار سر راه و بار دل آنها تا احساس کردم که نصایح برادرانه ام در او گیران نیست از کاربرد کنارش ساخته و معاون او را که امروز معاون صدیق وزارت آبادانی و مسکن است بدان کار گماشتم . ولی امروز مع الاسف چه در شهرداری و چه در سازمانهای دیگر بزرگترین نارضائیی، بیچارگی و درماندگی مردم همین سرگردانی پشت میزهاست که زندگی را برای همه تلخ و فلج کرده است یعنی حسن همدردی در جامعه مرده است .

والا کدام مرد با وجدان و فرد با انصاف است که این همه پیشرفت در کلیه شئون و امور اجتماعی را به بیند و از اعماق جان خود تحسین نکند .

این همه ساختمانهای درمانگاه . بیمارستان . دانشگاه . پرورشگاه . دبیرستان . دبستان . هنرستان . تأسیسات عظیم نفت و منافع روز افزون آن . ایجاد کارخانجات بزرگ صنعتی و صادرات آن . سازمان مجهز ارتش بلند نامی ایران عزیز در دنیا و هزاران اصلاح اساسی دیگر که خوابش راهم کسی نمیدید چه رسد که باین زودی فراهم شده باشد که دنیا را به شگفتی و تحسین واداشته است .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

خارك من در تلویزیون بچشم خود دیدم  
 و بکوش خویش گزارش آنرا شنیدم در  
 خود احساس مباحثات و غرور کردم.  
 در چنین اوضاع و احوال که نصیب  
 ایران عزیز شد . بدیهی است که پیشوای  
 بزرگ و رهبر عالیقدر ما منتهای آمال

همه از نیست به هست آمده همت  
 و درایت بلکه فداکاری رهبر عالیقدر و  
 پیشوای معظم ماست که باز هم میکوشد تا  
 همه چیز بر ترو بهتر گردد.  
 همین چند روز پیش که پیشرفت و  
 فعالیت‌های حیرت انگیز را در جزیره

# سیاست

و

## قلاش

بداند که چه مقدار است و در ثانی برای تهیه و تدارک آن در پهنه مملکت اقدام نماید و الا صرف عرضه و تقاضا که با احتکار و بی انصافی کسبه توأم باشد درد سختی معیشت را درمان نخواهد کرد و روز به روز کار معاش سخت تر خواهد شد.

درست است که جمعیت روز افزون ایران و سطح زندگی عمومی مردم روز بروز بالاتر می رود یعنی جمعیت ۱۵ میلیون بیست سال پیش امروز به سی میلیون رسیده است.

ولسی همین مملکت در دوران صفویه پنجاه میلیون جمعیت داشته و کمبود گوشت هم نداشته است. چیزی که مایه تأسف و تأثر می باشد این است که ما همواره از جانب افراط بتفریط می گزینیم و تا در عکس العمل شدید آن قرار نگیریم بر نخواهیم گشت بنصیحت و خیر اندیشی کسی هم گوش نمی دهیم. قانون ارزنده اصلاحات ارضی گذشت و بدست اجرا سپرده شد. چرا ۱۰۰ برای این که دهقان و کشاورز، مالک، رئیس و صاحب واقعی سعی و سود خود باشد. در این اثناء بنام ایجاد تصرف تمام مراتع ارزنده و سرمایه هنگفت کشور را شخم و شیار کردند که ایجاد تصرف نموده از هدف جنگلبانی و مراتع پیش دور و مصون دارند تا جائی که امروز در نقاط حشم خیز کشور مانند فارس، بختیاری، همدان،

و آرزوی او آسایش و رفاه مردم است و  
بس ...

حرمت دینی و اخلاقی احتکار. در مقررات دینی و اخلاقی احتکار یعنی انبار کردن خوار بار و ارزاق عمومی بمنظور گرانتر فروختن از مکاسب محرمه است و مجازات شدید دارد. حتی آنانکه بومی از ایمان و تقوی بمشام جانشان رسیده است از دخالت در خرید و فروش مواد خوار بار امتناع دارند و اگر راه انحصاری زندگانی آنها باشد کوشش مینمایند که بحد اقل قیمت بخرند و به حد اقل سود قناعت نمایند. اما امروز متأسفانه هشتاد در صد کسبه نشان را در فروش نان نامرغوب و کسم وزن، پنیر کثیف آلوده، شیر و ماست آب زده، ماش و نخود و لوبیا و برنج باد و برابر بهای اصلی که از مولد میخرند میفروشند و بطور کلی این مسابقه گرانفروشی را چون آتشی شعله ور نموده و دامن میزنند یعنی همه با حرص و آزر روز مبلتی بر متاع خویش بدلخواه خود میافزایند. در صورتی که ایران مترقی امروز باید مایحتاج خوار بار عمومی را اولاً

کردستان که سالیانه دومیلیون گوسفند بعد از تأمین مایحتاج خود به تهران و مراکز استانها میفروخت گوشت یافت نمی‌شود.

جای بسی خوشوقتی و امیدوار است که شاهنشاه آریامهر باصلاح کار کشاورزی و پیشرفت آن توجه‌خاص و وامر اکید صادر فرموده‌اند که البته گذشته‌ها جبران خواهد شد و دولت آن گونه عمل خواهد کرد که دیگر کنسرو باقلا و عدس از ماورای دریاها بایران نیاورند.

شهرداری تهران هم اگر میخواهد بر اجناس نرخ گذاری کند اول ازدولت بخواهد که مواد خواربار بمیزان مصرف پایتخت تدارک کند آنگاه در توزیع آن نظارت و در تعیین بهای آن دخالت نماید.

\*\*\*

تعمیر قناتهای شهر تهران، که در روزگار پیشین تنها آب مشروب شهر و خیابان ها و پارکهای اختصاصی را تأمین می‌کرد. مانند بسیاری از امور عمومی دستخوش هرج و مرج و بی اعتنائی قرار گرفته بود. چنانچه قنات شاه سنگلج، وزیر، فرمانفرما، سردار، نظامیه، حاج علیرضا، دارآباد، مبارک آباد، امامیه، جعفری، باغ صبا، کرجی امین‌الملک، جمشید آباد، بعضی بکلی خشک شده بود و برخی کمتر از یک سوم آب اصلی خود را داشت.

در حالی که کار لوله‌کشی هم تا

آنزمان پا در هوا و جمعیت تهران هم روز افزون بود. آب نهر کرج هم که ممکن بود برای آبیاری باغات و خیابانها کمک مؤثری باشد متأسفانه مورد تجاوز صاحبان زمین های شمال غربی و غرب شهر قرار گرفته در آن ریگزارها مقدار زیادی از آن تلف می‌شد تا معدودی باغچه‌های غربی و شمالی را مشروب سازد.

برای چاره جوئی فوری چند نفر مقنی کاردان را دعوت و تمام قناتهای تهران را از ما درچاه تا مجرا و مظهر شخصاً بازدید کردم و آنچه از باز کردن لوله مستراحها و آبریز حمامها در مجاری قنات دیدیم بی حد تأثر آور و موجب نگرانی شد که چگونه افرادی خود خواه به حقوق حیاتی مردم تجاوز نموده هزاران تن خردو کلان را دچار بیماریهای کشنده و سهمناک می‌نمایند. لذا هرچه زودتر این پاکنها رامسدود و قناتهارا تعمیر کرده آب آنها را بشهر آوردم.

عجب اینکه در حساب شهرداری بابت مال الاجاره قنات‌ها و تعمیرات مبالغ هنگفتی هر سال بحساب آمده بود ولی از آب خیری نبود.

عجب‌تر این که در دفتر جزو جمع آب شهر که باید سند و مدرک مساحت خانه‌ها و بهای آب هر یک باشد يك رقم نبود که ده بار نتراشیده باشند و در مساحت و مبلغ آن دست نبرده باشند.

بقیه دارد